

مقام اول جشنواره فن آفرینی شیخ بهایی مطرح کرد

طعم شیرین کشف ارتباط معنادار علم ریاضیات با قرآن

مقام اول جشنواره ملی فن آفرینی شیخ بهایی ایران با اشاره به مسیر علمی خود گفت: شاخه‌های گوناگون علم می‌توانند به یک ریشه مشترک ختم شوند. از همین منظر، تلاش کردم میان شطرنج، ریاضیات و مفاهیم وحیانی قرآن ارتباطی معناداری کشف کنم که در نهایت منجر به ثبت یک اختراع علمی و تأییدیه‌های ملی و بین‌المللی شد.

به گزارش گروه علم و فناوری پایگاه خبری گفتمان فارس، پیوستگی میان علوم انسانی، هنر و دانش‌های محاسباتی، همواره دغدغه بسیاری از نخبگان و جست‌وجوگران مسیرهای میان‌رشته‌ای بوده است. در این میان، برخی افراد توانسته‌اند با نگاهی ژرف‌تر، از دل تنوع علایق و مهارت‌ها، به کشف‌های بزرگ‌تری دست یابند و مرزهای سنتی علوم را درنوردند. سمیرا اسماعیلی‌فر، متولد ۱۳۶۹ نخبه جوان و پژوهشگر برجسته کشور، یکی از این چهره‌های درخشان است که با ترکیب ریاضیات، شطرنج، موسیقی و مطالعات قرآنی، مسیر متفاوتی را در عرصه کشف و اختراع پیموده است.

وی در حالی که از دوران کودکی در عرصه‌های مختلف هنری، علمی و ورزشی خوش درخشیده بود، با تأملی عمیق بر مفاهیم عددی و ساختارهای نهفته در قرآن، توانست کشف مهمی در پیوند میان ریاضیات و وحی الهی رقم بزند. این مسیر فکری، سرانجام به طراحی و ثبت اختراعی منحصر به فرد با کاربری ویژه برای نابینایان و کم‌بینایان منتهی شد که افتخارات ملی و بین‌المللی متعددی را برای او به همراه آورد؛ از جمله کسب مقام اول جشنواره ملی فن آفرینی شیخ بهایی ایران در ۱۳۹۱ و تأییدیه‌های رسمی از دانشگاه‌های معتبر و نهادهای دولتی.

در همین راستا، ایکن با سمیرا اسماعیلی‌فر به گفت‌وگویی اختصاصی پرداخته است. آنچه در ادامه می‌خوانید حاصل این گفت‌وگوی صمیمانه و تأمل‌برانگیز است.

منشأ اندیشه محاسبات قرآنی شما چیست و از کجا آغاز کردید و اساساً چه شد که به دنبال این محاسبات رفتید؟

این مسیر ابعاد گوناگونی داشت، اما به گمانم یکی از نقاط عطف آن همان چیزی است که اکنون عرض می‌کنم. زمانی که در مقطع ابتدایی تحصیل می‌کردم، مادرم سوره کوثر را به صورت شعر به من آموختند و برای آموزش مفاهیم سوره و آیه، شروع به ورق‌زدن صفحات قرآن کردند. در همان سنین، پرسشی که ذهن مرا درگیر می‌کرد این بود که چرا سوره‌های پایانی قرآن کوتاه‌تر هستند. این پرسش همیشه در ذهنم باقی ماند و در دوران مدرسه نیز هنگام مطالعه قرآن، پرسش‌های متعددی از معلمان مطرح می‌کردم. در خلال این گفت‌وگوها معمولاً اشاره می‌شد که همه دانش‌های جهان در قرآن وجود دارد و همین امر ذهنیت مرا نسبت به امکان کشف این دانش‌ها از دل قرآن تقویت می‌کرد.

آیا پیشینه‌ای برای مطالعات و تحقیقات شما در حوزه قرآن وجود داشت؟ جرقه اولیه این مسیر کجا زده شد؟

برای آغاز این مسیر مطالعاتی، بی‌تردید نیاز به راهنما وجود داشت، اما همواره تلاش می‌کردم از جستجو دست نکشم و برای پرسش‌های خود پاسخی بیابم. از همان دوران مدرسه به کتاب‌فروشی‌های مختلف سر می‌زدم و پیوسته در پی کشف پاسخ سؤالاتم مطالعه می‌کردم. در آن دوران، پیشینه مطالعات و تحقیقاتم درباره قرآن به محیط مدرسه و گفت‌وگوهای معلمان محدود می‌شد، اما ذهن من قانع نمی‌شد و در همان ایام انگیزه‌ای در من شکل گرفت تا شخصاً به کشف فرمولی دست یابم. روزی در محاسبات عددی شخصی، عدد ۹ را مورد بررسی قرار دادم و به‌طور اتفاقی تاریخ تولدها را با تاریخ‌های شمسی، قمری و میلادی مرتبط کردم و به نتیجه‌ای رسیدم که بسیار شگفت‌انگیز بود؛ زیرا مشاهده کردم عدد ۹ در همه این تاریخ‌های تولد از نظمی خاص برخوردار است. ابتدا تصور کردم این نتیجه کاملاً تصادفی است و حتی چنین نیز بود.

پس از آن، به سراغ چهار عمل اصلی ریاضیات رفتم، زیرا همواره می‌دانستم که پایه ریاضیات بر این چهار عمل استوار است. در جدول ضرب و جمع «۹» در نکات بسیار جالبی یافتم؛ برای مثال اتحاد اعداد یک، چهار و هفت و مسئله جفت‌پذیری اعداد را در این جدول مشاهده کردم. دریافتم که بیشتر اعداد دارای جفت‌های مکمل هستند؛ برای نمونه هشت با نه یا شش با سه، اما اعداد یک، چهار و هفت هیچ جفتی نداشتند و همگی با هم در تقسیمات نه‌تایی ظاهر می‌شدند. این نکته برای من بسیار حائز اهمیت شد و یقین پیدا کردم که عدد ۹ ویژگی منحصر به فردی دارد که باید بیشتر بررسی شود.

چگونه به این نتیجه رسیدید که تاریخ تولدها را مورد بررسی قرار دهید و آن‌ها را به عدد ۹ مرتبط کنید؟ منظور از «رساندن به عدد ۹» چیست و این کار از نظر علم ریاضی چه اهمیتی دارد؟ آیا چنین امری به معنای یک کشف است یا صرفاً یک نتیجه عددی؟

انتخاب تاریخ تولدها از سر کنجکاوی شخصی بود. در ادامه محاسبات، تقسیمات مختلف مانند تقسیمات دو، سه، چهار، پنج، شش، هفت و هشت گاه استثنای پذیر می‌شدند، اما این استثنائات را در عدد ۹ نمی‌دیدم. همین امر باعث شد احساس کنم در مسیر کشفی تازه قرار گرفته‌ام و لازم است پژوهش‌های تخصصی‌تری انجام دهم. در دوران دانشگاه، یکی از دوستان قرآنی‌ام مرا با یکی از استادان مؤسسه غدیر شیراز آشنا کرد که مسیر تحقیق را از ریاضیات به سوی قرآن جهت داد. این استاد ضمن هشدار نسبت به پرهیز از محاسبات ذوقی و غیر برهانی، مرا تشویق کرد که درباره اسماء الحسنی و دیدگاه‌های دانشمندان قرآنی تحقیق کنم و هر آنچه را درباره عدد ۹ می‌یابم، به دقت ثبت کنم.

گویا در بخشی از مطالعات خود واژه «آسماشید» را به کار برده‌اید. این واژه به چه معناست و منشأ آن چیست؟

از دوران کودکی به آسمان، پرواز و خورشید علاقه‌مند بودم و بعدها در حوزه موسیقی، نخستین آلبوم ملی و جهانی خود را «باور پرواز» نام نهادم. پس از آن‌که به همراه استاد به نتایج علمی ارزشمندی دست یافتیم، با مشورت ایشان واژه «آسماشید» را به عنوان تخلص و نام علمی برگزیدم. این واژه از ترکیب دو کلمه «آسمان» و «شید» به معنای درخشش ساخته شده است. در واقع «آسماشید» زاده آسمان و خورشید است و نماد بلندی، گستردگی و نورانیت به شمار می‌آید. در محافل علمی مرا به نام «خانم عدد ۹» می‌شناختند، اما بعدها عنوان «آسماشید دختر ایران زمین» را به من دادند.

موسیقی و شطرنج چگونه بر تحقیقات قرآنی شما تأثیر گذاشتند؟ آیا در میان موسیقی، ریاضیات و شطرنج نقطه اشتراکی احساس کردید؟ نقطه تلاقی قرآن با این سه حوزه کجا بود و این پیوند را چگونه برای دیگران بیان و اثبات می‌کنید؟

ورود من به عرصه علمی و ورزشی با شطرنج آغاز شد. پس از کسب مقام برتر آموزشگاه‌های شیراز و دریافت لقب «بازیکن خوش فکر»، همزمان به دلیل علاقه فراوان به هنر، آموزش موسیقی را نیز شروع کردم. هیچ‌گاه تمایل نداشتم تک‌بعدی باشم. در همان دوران نویسندگی را نیز تجربه کردم و در یادداشت‌های دوران تحصیل می‌نوشتیم: «خدایا! همه درختان از زمین ریشه دارند و تا آسمان شاخه می‌زنند. ما آدمیان در کجای این جهان ایستاده‌ایم؟» این جمله را برای توصیف ذهنیتم می‌نوشتیم که معتقد بودم همان‌گونه که درخت با شاخه‌های متعدد به یک تنه استوار می‌رسد، انسان نیز می‌تواند با شاخه‌های گوناگون علمی به یک اصل واحد برسد. به همین دلیل یادگیری موسیقی، تمرین شطرنج و جست‌وجوی ریاضیات را همزمان دنبال کردم و معتقد بودم مقصد همه این تلاش‌ها رسیدن به یک هدف نهایی است. این مسیر پیش از ورود من به حوزه اعداد و کشف ارتباط آن‌ها با قرآن شکل گرفت و در ادامه همه این فعالیت‌ها را به مطالعات قرآنی پیوند دادم.

نقش خانواده، معلمان، دوستان و شاگردان شما در کشفیات ریاضی و قرآنی‌تان چقدر تأثیرگذار بود؟

خانواده نقشی بسیار مهم و پشتیبانانه داشتند، اما محیط آموزشی و مدرسه درک صحیحی از ذهنیت من نداشتند و حمایت لازم را ارائه نمی‌کردند. پس از کسب مقام برتر آموزشگاه‌های شیراز، به مسابقات کشوری راه یافتیم و در دوران دانشجویی نیز به رقابت‌های بین‌المللی دعوت شدم. در همان دوره در سن ۱۷ سالگی کتابی با عنوان «چه کسی پیاده‌ام را وزیر کرد؟!» تألیف و چند سال بعد منتشر کردم. هدف اصلی از نوشتن این کتاب، آرامش‌بخشی به ذهنم و بیان دیدگاه‌هایم در قالبی ادبی و در حوزه خودشناسی بود. برخی معتقد بودند که شاید در سال‌های بعد از انتشار این اثر پشیمان شوم، اما همواره پاسخ می‌دادم مهم این است که جسارت نوشتن و انتشار را در خود ایجاد کرده‌ام.

آیا در حوزه‌های علمی، ورزشی یا ابتکارات و اختراعات دستاوردها و رتبه‌های خاصی کسب کرده‌اید؟

زمانی که مشغول تحقیقات درباره عدد ۹ و محاسبات قرآنی بودم، به مرکز نخبگان شهید فهمیده که زیرمجموعه دفتر نخبگان ریاست‌جمهوری بود، مراجعه کردم. کارشناس آن مرکز کشفیات ریاضی مرا تأیید کرد و موضوع برای او جذاب بود. پس از تأییدیه‌های گوناگون، گزارش این طرح در روزنامه قوه قضاییه منتشر شد. در این مسیر با چالش‌های زیادی مواجه شدم، زیرا مشخص نبود برای ثبت سند نهایی باید به کدام نهاد مراجعه کرد. شخصاً حدود ۵۰ تماس تلفنی با ارگان‌های مختلف داشتم و در نهایت به اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی ارجاع داده شدم که اعلام کردند امکان ثبت ملی این کشف وجود دارد. هر زمان درباره کشف صحبت می‌شد، اغلب افراد تفاوت میان اختراع و کشف را نمی‌دانستند و معتقد بودند اگر مخترع بودم، امکان همکاری فراهم بود.

در نهایت چگونه توانستید به نظام نخبگانی کشور وارد شوید؟

در مواجهه با این چالش‌ها به این نتیجه رسیدم که باید از مسیر اختراع وارد شوم. به همین منظور با استفاده از دانش شطرنج، دستگاهی را اختراع کردم که کاربرد آن برای نابینایان و کم‌بینایان بود.

فرایند دستیابی به این اختراع چگونه بود؟

در رفت‌وآمدهایی که به مراکز نخبگان داشتم، اطلاعاتی گردآوری کردم که منجر به طراحی دستگاه حسگر گویای ویژه نابینایان و کم‌بینایان شد. در آن مقطع، این دستگاه نمونه مشابه جهانی نداشت. تأییدیه علمی این اختراع را از دانشگاه معتبر رباتیک خاورمیانه، یعنی دانشگاه آزاد قزوین، اخذ و پس از ثبت ملی، تأییدیه وزارت امور خارجه را دریافت کردم و این اختراع به عنوان پتنت ثبت شد.

در ادامه به ثبت شرکت دانش‌بنیان نخبگان دعوت شدم و مراحل قانونی آن را طی کردم، اما برخلاف وعده داده‌شده، هیچ مزیتی دریافت نشد و تنها تلاش و تأییدیه‌های اداره کل آموزش و پرورش استثنایی، سازمان بهزیستی، وزارت صنعت و معدن و دیگر مراجع ذی‌ربط را کسب کردم. در نهایت در این جشنواره به مقام نخست دست یافتیم، هرچند تنها لوح تقدیری به من اعطا شد.

گویا شما پس از کسب رتبه شایسته و دیگر مدال‌ها از سوی کشورهای پیشرفته بارها دعوت به حضور علمی و ثبت یافته‌ها و اختراعات شده‌اید. آیا این دعوت‌ها را پذیرفتید؟ دلیل تصمیم شما چه بود؟

از همان دوران، از کشورهایی مانند انگلستان و آمریکا و برخی کشورهای دیگر، پیشنهادهایی از طریق واسطه‌ها، دوستان و برخی افراد در مرکز نخبگان به بنده ارائه می‌شد که ایران را ترک کنم. گاهی این دعوت‌ها با اصرار همراه بود و حتی تعدادی از مسئولان نیز مرا به رفتن تشویق می‌کردند. پیشنهاد آمریکا این بود که تنها ارسال یک نسخه از اکتشاف و اختراع من کافی است. اما در اوج نیاز به این جمله باور داشتم که چرا باید ما به کشورهای دیگر برویم؟ آنان باید بیایند و از نخبگان ما در کشورمان دیدن کنند. همواره می‌گفتم: اکتشافات و اختراعات من تقدیم به کل جهان است اما متعلق به مردم

ایران است. تا امروز بر این باور ایستاده‌ام و افتخار می‌کنم که در مسیر تربیت شاگردان و هدایت نسل‌های آینده، برای ایران مانده‌ام. هرچند این ماندن مملو از دلشکستگی‌ها و سنگ‌های بی‌رحم بود و برای بسیاری قابل درک نبود.

پس از ثبت اختراع، تحقیقات قرآنی شما به چه نتایجی رسید؟

در این مسیر، مطالعات قرآنی من ادامه یافت و قدم به قدم به نتایجی متفاوت رسیدم و احساس کردم به مقصدی ناشناخته نزدیک می‌شوم. همان پرسش کودکی‌ام که چرا سوره‌های کوتاه در انتهای قرآن آمده‌اند، مرا همراهی می‌کرد. با همین ذهنیت، از آخر قرآن، آیات را ۹ تا ۹ تا شمارش کردم و به نکات تازه‌ای رسیدم. یافته‌هایم را با استادم در میان گذاشتم و ایشان توصیه کردند بدون توجه به نتیجه، مسیر را ادامه دهم و همه داده‌ها را ثبت کنم. در این شمارش متوجه شدم که در ۹ سوره پایانی قرآن، نظم خاصی برقرار است و سوره‌ها به صورت یکی در میان با محاسبه ضریب ۹ هماهنگ می‌شوند. به تنها سوره ۹ آیه‌ای قرآن که رسیدم، یعنی سوره همزه که از انتها یازدهمین سوره است، دریافتم این سوره مرز میان دو نوع محاسبه است: محاسبه دو تا در میان و محاسبه یکی در میان. ادامه مسیر مرا به سوره عادیات رساند که نهمین آیه ضریب ۹ و نهمین سوره با این ویژگی بود. در این مرحله، محاسبه سه تا در میان را آزمودم و دریافت‌های تازه‌ای به دست آمد. بررسی دیگر اعداد نشان داد که این ویژگی مختص عدد ۹ است.

محاسبات را از ابتدای قرآن نیز آغاز کردم و ساعت‌ها و روزها به صورت دستی شمارش کردم تا نظریه ثابت شد. در ادامه، هویت سایر اعداد نیز در کنار ۹ مشخص شد؛ مانند عدد ۱۵، ۱۱، ۱، ۴ و ۷ که همه به واسطه ۹ به یکدیگر پیوند می‌خورند و نظم ریاضی در قرآن ایجاد می‌کنند. کلمات مقدس «الله» و «رب» را هم بررسی کردم. هنگامی که به عدد صفر رسیدم، تفاوتی در محاسبات آشکار شد که مرز میان عدد و رقم را مشخص می‌کرد.

شما بین عدد و رقم تفاوت قائل هستید. این موضوع را بیشتر توضیح می‌دهید؟

«۱۰» یک عدد است که از دو رقم یک و صفر تشکیل شده است. در شمارش ۹ تایی آیات قرآن، که ۶۲۳۶ آیه دارد، اختلاف میان عدد و رقم به وضوح دیده می‌شود و ستون‌های محاسبات قرآن را شکل می‌دهد. در عدد ۱۰، رقم صفر هویتی مستقل در قرآن و در آیات دارد که این تفاوت بسیار مهم است و نیاز به ساعت‌ها بحث تخصصی دارد. حتی شگفتی‌های بیشتری کشف شد؛ برای مثال، عدد ۱۱ در این محاسبات، رقم ۱۳ را نمایندگی می‌کند و در نظریه «یک‌ها» عدد ۱۱۴ تنها عددی است که شمارش رقم یک در درون آن معادل خود عدد است. توضیحات این مباحث در حال بازنویسی در قالب کتابی تخصصی درباره اعجاز محاسباتی قرآن است.

تفاوت دستاوردهای ریاضی - قرآنی شما با تحقیقات پیشینیان چیست؟ آیا پیش از شما پژوهش‌های مشابهی انجام شده بود؟

همزمان با پیشرفت کشفیاتم، مطالعه می‌کردم که پیشینیان در این زمینه چه کارهایی انجام داده‌اند. تفاوت‌هایی آشکار شد؛ برای نمونه، نظریه اعجاز ۱۹ که رشاد خلیفه مطرح کرد، در جای خود جالب است اما جامعیت نداشت و در بسیاری موارد با استثنا مواجه می‌شد که نیاز به توجیه داشت. هدف من کشفی بود که استثنا نداشته باشد. در این مسیر به اصول تازه‌ای در ریاضیات پی بردم، از جمله نظریه «یک‌ها»، «رقم‌ها» و «صفرها» و محاسبات پیشرفته‌ای که نام آن را «پدیده ۹» یا «e» گذاشتم.

در زمینه محاسبات عددی قرآن، عبدالرحمن سیوطی بیشتر به جنبه‌های بلاغت و معانی آیات پرداخته است و جز چند گزارش کوتاه از شمار کاربرد برخی واژگان، کار عددی عمیقی انجام نداده است. رشاد خلیفه نظریه اعجاز ۱۹ را ارائه داد که ناتمام ماند و انحرافات اعتقادی او مانع ادامه مسیر شد. عبدالرزاق نوفل بیشتر به اعجاز علمی قرآن در حوزه کیهان‌شناسی پرداخته و ابوزهره نجدی نیز ابعاد دین و جهان را با تعداد کاربردهای قرآنی تطبیق داده است، مانند اشاره به ۳۴ مرتبه تکرار واژه سجده، معادل سجده‌های نمازهای یومیه. آقای اعرابی با تطبیق آیات مشابه به نکات تفسیری رسیده و حجت‌الاسلام دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی آثار ارزشمندی در جمع‌آوری کشفیات دیگران دارد.

یکی از کشفیات من محاسبات مربوط به کلمه جلاله «الله» است. علاوه بر آن، محاسبه گردش ۹ دور ۹ تایی آیات قرآن نیز این عدد را تأیید می‌کند. اگر تعداد آیات را ۶۲۳۶ بدانیم، می‌توان ۹ بار از انتهای قرآن به سمت ابتدای آن، آیات را ۹ تا ۹ تا شمرد و در نهایت به نقطه صفر رسید؛ اما اگر این عدد بیشتر یا کمتر باشد، هیچ معادله منظمی به نقطه صفر نمی‌رسد. نظام گردش کلمه «الله» دقیقاً معادل نظام گردش آیات کل قرآن در قالب این گردش ۹ تایی است. نکته مهم آن که «الله» در «بسم الله الرحمن الرحيم» نیز این نظام را ثابت می‌کند.

آیا ۱۱۴ (تعداد سوره‌ها)، ۱۹ (عدد بسمله)، ۹ (بزرگترین عدد یک رقمی) و ۶۲۳۶ (تعداد آیات قرآن) با یکدیگر ارتباط دارند؟

براساس نظریه یک‌ها و گردش ۹ تایی آیات، می‌توان ۶۲۳۶ آیه را در عدد ۱۱۴ جای داد و عدد ۱۹ نیز در این ساختار، هویتی نوین می‌یابد، مانند ترکیب‌های ۱۹۱، ۱۹ و یک.

نقطه تلاقی ۹ و ۱۹ در کجاست؟

یکی از نقاط تلاقی این دو عدد «بسمله» است. بسمله ۹ تقطیع دارد در ۱۹ حرف. وقتی «بسم الله» را بنویسیم، ۹ بار باید دست را از روی کاغذ برداشت. همچنین تقطیع‌های نقطه‌دار پس از این مرحله ۹ حرف دارند؛ یعنی بخش‌هایی مانند «بسم»، «حمن» و «حیم» با حروف نقطه‌دار، ۹ حرف می‌شوند. پایه‌های تکرار حروف بسمله نیز ۹ تاست. حروفی مانند میم، الف، لام، را و حا مجموعاً ۹ بار تکرار شده‌اند. در بسمله پنج حرف تکرارپذیر و پنج حرف تکرارناپذیر وجود دارد که با احتساب تکرارهای ۹ گانه و حروف اولیه، ۱۴ حرف به دست می‌آید. این پیوندها میان اعداد ۹، ۱۱، ۵ و ۱۴، ساختاری ریاضی را نمایان می‌سازد.

چگونه عدد ۹ با ۱۱ پیوند می‌یابد؟

این ارتباط نخست در سوره «همزه» نظر مرا جلب کرد و سپس در سوره «عادیات». «همزه» از انتهای قرآن یازدهمین سوره است و تنها سوره ۹ آیه‌ای قرآن به‌شمار می‌آید. همچنین «عادیات» سوره‌ای با ۱۱ آیه است و از انتها نهمین سوره محسوب می‌شود. ضریب‌های ۹ در آیات این سوره‌ها نیز به‌خوبی قابل مشاهده است.

آیا این محاسبات جنبه تعنتی و تحمیل عددی ندارد؟

هدف من رسیدن به عدد خاصی نبود بلکه کشف این نظم بود. ده‌ها عدد و رقم را در متن قرآن آزمودم و تنها عددی که ضابطه‌مند بود عدد ۹ بود. هرکس این محاسبه را با دقت انجام دهد، به همین نتیجه خواهد رسید؛ همان‌طور که هرکس معدن طلا را بکاود، به طلا دست می‌یابد. تفاوت در نیت و لطف الهی است که منجر به این کشف شد. وقتی سند روی سند می‌آید، دیگر تحمیل نیست بلکه تأیید است. آیات و کلمه جلاله «الله» و «رب» مسیر واحدی دارند و محاسبات قرآنی روابط عددی دیگری را آشکار می‌سازد. مشاهده این شگفتی‌ها ما را به تأمل و نزدیک‌تر شدن به شناخت عظمت الهی فرا می‌خواند.

رابطه «بسم الله الرحمن الرحيم» با کل قرآن چگونه تبیین می‌شود؟

در بعد کلان باید گفت تمامی ۱۹ حرف بسمله در ستون‌های ۹ تایی آیات قرآن جای می‌گیرند. در واقع کلید گشایش گنج‌های قرآن همین بسمله است. این موضوع نیازمند تدریس و تألیف است که ان‌شاءالله به‌زودی چند جلد کتاب در این زمینه منتشر خواهد شد. اگر به یک سوره، آیه‌ای اضافه یا کم شود، چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ آیا براساس این کشف و محاسبات، تحریف قرآن ناممکن است؟

حتی پیش از این نیز تحریف قرآن امکان‌پذیر نبود. اما فرض کنید یک آیه از سوره «عادیات» حذف شود؛ در این صورت هویت عددی ۱۱-۱۵ و ۱-۴-۷ دچار اختلال می‌شود و نظام مهندسی سوره‌های بزرگ نیز مبهم خواهد ماند؛ چراکه این سوره و فرمول‌های کشف‌شده، پل ارتباطی مهمی در میان سایر محاسبات هستند. کوچک‌ترین تغییری در آیات، کل شبکه محاسباتی قرآن را مختل می‌کند و این حقیقتاً اعجاز قرآن و نشانه‌ای روشن از الهی بودن آن است: «ولو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً» (سوره نساء، آیه ۸۲).

پس این کشف بر تحریف‌ناپذیری قرآن تأکید دارد؟

بله، این کشف اعتماد ما را به الهی بودن قرآن بیشتر می‌کند و دروازه‌ای به سوی دانش نوین ریاضیات می‌گشاید.

نظریه جدول زوج و فرد قرآن که حجت‌الاسلام دکتر سید رضا مؤدب مطرح کرده‌اند چیست؟

من ادعای همه‌چیزدانی ندارم و داوری درباره دیدگاه‌های متخصصان بر عهده کارشناسان همان رشته است. نظریه ایشان را مطالعه کرده‌ام و بر این اساس اگر جدول سوره‌های قرآن را به ترتیب مصحف مرتب کنیم، دو ستون خواهیم داشت: یکی شماره ترتیب و دیگری تعداد آیات هر سوره. با جدا کردن ۵۷ سوره زوج و ۵۷ سوره فرد و جمع‌کردن اعداد به‌طور مستقل، چهار عدد به دست می‌آید که با برخی شمارگان قرآنی مرتبط است. این نظریه نیز تأییدی بر تثبیت و عدم تغییر تعداد آیات قرآن به شمار می‌آید.

چرا محاسبات را از آخر قرآن شروع کرده‌اید؟ آیا امکان محاسبه از ابتدا وجود نداشت؟

من به صورت اتفاقی از آخر شروع کردم، شاید الهامی آسمانی بود. برخی محاسبات تفاوتی ندارد از اول یا از آخر انجام شود و نتیجه یکی است. اما فرمول‌هایی که از محاسبه از آخر به اول به دست آمد، راهنمای کشفیات بعدی شد. سوره‌های کوچک، نظام محاسباتی بزرگی را برایم آشکار کردند و بدون این قواعد، محاسبه سوره‌های بزرگ مبهم می‌ماند.

نظریه گردش ۹ دوری در شمارش آیات را شرح دهید.

این گردش پس از گردش اولیه ۹ تایی قرآن، چه از انتها و چه از ابتدا مشخص می‌شود. در مسیر محاسبات ریاضی، اعداد چنان در هم تنیده می‌شوند که خودم هنگام محاسبه به سجده می‌افتادم. این چینش، آیاتی را زنجیره‌وار به هم وصل می‌کند و حتی حکمت اتصال و جایگاه سوره‌ها را نمایان می‌سازد. تغییر تعداد آیات یک سوره یا جابه‌جایی سوره‌ها، نظم و انسجام را از بین می‌برد. برای مثال، در یکی از گردش‌ها، سوره همزه با عدد ۹ پیوند می‌خورد. همچنین نظام نوینی از محاسبه کلمه جلاله «الله» در گردش ۹ تایی شکل می‌گیرد.

آیا بسم الله الرحمن الرحيم در آغاز هر سوره جزو آیه اول محسوب می‌شود؟

بله، البته در سوره حمد بسم الله مستقلاً آیه اول است.

این کشفیات علاوه بر اثبات عدم تحریف قرآن چه خاصیتی دارند؟

این کشفیات منجر به تولید محاسبات و ریاضیات نوین شده است. براساس این کشف، حتی تفسیر قرآن در مسیر نوینی قرار می‌گیرد که می‌تواند مباحث آیات را در علوم مختلف وارد کند. این نظام عددی همچنین در موسیقی تأثیرگذار بوده و سبک جدیدی به دنیای موسیقی معرفی کرده است.

آیا نداشتن بسمله در سوره توبه دلیلی دارد؟

این موضوع دقیقاً به نداشتن بسمله در سوره توبه برمی‌گردد. جالب اینکه این سوره تنها سوره‌ای است که بعد بسمله حرف باء دارد و با میم تمام می‌شود.

آ عدد ۹ اشاره شاخص و ویژه‌ای برای این سوره‌هاست. در سوره نهم (توبه) که بسمله ندارد، آیه ۳۶ به تعداد ماه‌های سال اشاره دارد که عدد ۳۶ (متشکل از سه و شش) جمعاً ۹ می‌شود. سوره هجدهم (کهف) نیز در آیات مختلف به عدد ۹ اشاره می‌کند. در سوره بیست و هفتم (نمل)، بسمله آغاز نامه سلیمان است. سوره سی و ششم (یس)، قلب قرآن، پر از معجزات و عجایب است.

نقش حروف مقطعه و سور مقطعات در تحقیقات شما چیست؟

تعداد ۲۹ حرف مقطعات پیام مهمی از نظر ریاضی و نظریه «یک‌ها» دارد، زیرا نوزدهمین «یک» در عدد ۲۹ قرار گرفته است. این موضوع بسیار مفصل است و نیاز به بررسی بیشتر دارد.

در موسیقی و هنر، تأثیر محاسبات شما چگونه بوده است؟

این کشفیات نظام‌دهی جدیدی در نت‌های موسیقی ایجاد کرده است، اما بیان دقیق‌تر نیازمند زمان بیشتری است. به طور کلی مبحث دانگ و گام در موسیقی از نظر محاسبات عددی با اعداد یک، چهار، هفت و ۹ ارتباط جالبی دارد.

آیا هر سوره آهنگ مختص به خود را دارد؟

بله، اگرچه در جهاتی مشابهت‌هایی وجود دارد که نیاز به بحث تخصصی دارد و بهتر است در مجال دیگری مطرح شود.

آیا می‌توان از ساختار موسیقایی قرآن در نگارش نت‌های جدید بهره برد؟

بله، با دانش سلفژ و مبانی فرم موسیقی می‌توان تطبیق بزرگی در نگارش نوین ایجاد کرد، مثلاً لحن آیه‌ها را به نت تبدیل کرد.

چه میزان از اعجاز ریاضی و عددی قرآن با کشف شما آشکار شده است و چه میزان باقی مانده است؟

فرمول‌ها بدون شک پیچیده و سنگین‌اند و باید تدریس شوند. این کشف آغازی است برای ورود به راه بی‌نهایت، شگفت‌انگیز و دیگری از اعجاز قرآن.

آیا موسیقی قرآن و نظام عددی آن با نظام معنایی و محتوایی آیات مرتبط است؟

بدون شک بله، هرچند در این زمینه هنوز در حال تحقیق هستم و به نتایج قطعی نرسیده‌ام، ولی از نظر فرضیه و گمانه‌زنی، چنین ارتباطی منطقی و مطابق با اهداف قرآن است.

آیا در نقطه‌گذاری قرآن نیز کشفی داشته‌اید؟

در بسمله بله، اما در سایر موارد هنوز خیر. امیدوارم بتوانم در این زمینه نیز خدمتی ارائه دهم.

نواخت نموداری واژه‌های «الله» و «رب» چگونه است؟

هر دو واژه قابلیت گردش ۹ تایی در ۹ دور را دارند، چه از اول به آخر و چه بالعکس. این ترسیم را مانند ستون‌های درهم تنیده‌ای می‌بینم که به هم پیوند خورده‌اند.

چشم‌انداز کار خود را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

الحمدلله آینده روشن است. تمام تلاش من احیای قرآن بوده و هست و با توکل به صاحب قرآن به مقاصد بلند این هدیه آسمانی خواهیم رسید. به‌زودی یافته‌هایم را در چند جلد کتاب تخصصی درباره اعجاز محاسباتی قرآن به علاقه‌مندان تقدیم خواهم کرد.

گفت‌وگو از داوود کنشلو